

بررسی مهارت‌های ارتباطی حضرت موسی علیه السلام و دختران شعیب در قرآن

دکتر احمد گلدار^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۲۸

چکیده

جهانی را که امروزه ما در آن زندگی می‌کنیم جهان ارتباطات نام داده‌اند. ارتباطات انسانی یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای بشر به‌شمار می‌رود. در این میان با ارزش‌ترین فراگرد ارتباطی، ارتباط خالق هستی با انسان است. قرآن کریم مهم‌ترین پیام دریافت شده توسط بشر است. در قرآن به صراحت یا به اشاره، شیوه ارتباط برقرار کردن با دیگران مهم تلقی شده است. در سراسر قرآن، خداوند با بیان داستان‌های مختلف، به اهمیت شیوه‌های ارتباطی تأکید نموده است. در آموزه‌های قرآنی، از میان گفت‌وگوهای شخصیت‌های مختلف، می‌توان مهارت‌های خاصی را منطبق بر علوم ارتباطات برداشت نمود. در داستان حضرت موسی و دختران شعیب، اسلوب‌های ارتباطی و ویژگی‌های اثر بخشی در ارتباطات میان فردی را می‌توان یافت. همچنین در فرایند گفت‌وگوها، بسیاری از پیام‌های غیر کلامی در ارتباطات، رمز گشایی و توسط فرد مقابل دریافت گردیده است. تفاوت مهم ارتباطات در فرهنگ قرآن کریم با فرهنگ غرب، تأکید بر هنجارها و ارزش‌های انسانی است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، مهارت‌های ارتباطی، موسی، دختران شعیب.

مقدمه

اگرچه ارتباطات انسانی از بزرگ‌ترین دستاوردهای بشر به‌شمار می‌رود، اما در این میان با ارزش‌ترین فراگرد ارتباطی، ارتباط خالق هستی با انسان است. در

۱. مدرس گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی کرج. goldaraf@yahoo.com

طول تاریخ همیشه خداوند با انسان‌ها در ارتباط بوده و پیام‌های مختلفی را برای هدایت بشر توسط برگزیدگانش ارسال نموده است.

در گستره تاریخ جهان، قرآن کریم مهم‌ترین پیام الهی دریافت شده توسط بشر است. این پیام الهی با اثربخشی فراوان همواره در نشیب و فراز تاریخ با کانال‌های ارتباطی خاص، از هر گونه گزند مصون بوده است.

قرآن کریم گرچه به صورت مدوّن در خصوص علوم بشری نازل نشده است، بلکه کتاب هدایت و راهنمایی بشر به سوی حیات پاکیزه است، اما در محتوای این سخنان، دانش‌های متعدد بشری و علوم انسانی جان تازه می‌گیرند و از انواع پیام‌های الهی و مصادیقی که کلام وحی در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد، رویکردهای جدیدی در کاربرد مفاهیم قرآنی در زندگی بشر ایجاد می‌شود. نگارنده در این تحقیق برآن است که برخی از مباحث «ارتباطات انسانی» را در بخش کوتاهی از داستان‌های قرآن بررسی نماید. مسلماً انتخاب موضوعات مرتبط با علوم ارتباطات ترتیب منطقی نداشته و رهیافت به آیات نیز با استقراء کامل نبوده است، بلکه هدف از این پژوهش تنها نشان دادن توان بالقوه آیات قرآن در مقایسه با اسلوب‌های دانش ارتباطات است.

۱. تعریف ارتباطات (communication)

جهانی را که امروزه ما در آن زندگی می‌کنیم، جهان ارتباطات نام داده‌اند. بدون شک فراگرد ارتباطات انسانی در محدوده روابط بشری شکل می‌گیرد.^۱ چکیده‌ای از تعریف‌های ارتباطات بدین قرار است: کلمه ارتباطات به معنای (To make common) عمومی کردن، یا در معرض عموم قرار دادن است. به عبارت دیگر، فراگرد انتقال اطلاعات، احساسات و افکار در میان مردم است.^۲ ارتباطات

۱. فرهنگی، علی اکبر، ارتباطات انسانی، ج ۱، ص ۳.

۲. کیاغلی، اصغر، ارتباطات جمعی روابط بین الملل، ص ۲۸.

اساس هستی اجتماعی است و با آن ابعاد گوناگون حیات جمعی قوام می‌یابد.^۱ ارتباط کلامی یکی از ابزارهای اولیه‌ای است که انسان برای اثرگذاری بر محیط و کنترل و درک آن به کار می‌برد و یکی از وسایل مهم افزایش پاداش‌ها و کاهش تنبیهاتی است که از محیط حاصل می‌شوند. همچنین ارتباط مؤثر، فرایند دو جانبه‌ای است که به تلاش و مهارت فرستنده و گیرنده هر دو نیاز دارد.^۲ و در نهایت، محرومیت از ارتباط سالم، باعث بروز مشکلات عاطفی، اخلاقی و زوال جسمی می‌گردد. کودکانی که دچار فقر ارتباطی هستند قادر به نمایش احساسات خود نخواهند بود.^۳

۲. موقعیت داستان

آیات ۲۲ تا ۲۸ سوره قصص که بیانگر یکی از بخش‌های زندگانی حضرت موسی است در بردارنده نحوه آشنایی موسی با دو خواهر است. این بخش از داستان در آیات مذکور، در دو قسمت و به عبارت دیگر در دو صحنه ارائه شده است. صحنه اول مربوط به گفت‌وگوی حضرت موسی با دختران است و صحنه دوم درباره گفت‌وگوی ایشان با پدر این دختران می‌باشد. طبق نظر بیشتر مفسران قرآن از جمله مؤلف تفسیر المیزان، پدر این دختران، حضرت شعیب است.^۴ در تحقیق حاضر، فقط صحنه اول از این بخش (آشنایی موسی با دختران) مورد بررسی قرار گرفته است که همان تحلیل داستان از دیدگاه ارتباطات انسانی است و به صحنه دوم داستان، یعنی جریان آشنایی موسی با پدر این دختران و خواستگاری و ازدواج، پرداخته نشده است.

۱. ساروخانی، باقر، جامعه‌شناسی ارتباطات، ص ۳۴.

۲. شرمهون، مدیریت و رفتار سازمانی، ترجمه مهدی ایران نژاد، ص ۴۲۷.

۳. ساجدی‌نیا، محمدحسین، اصول و مبانی مدیریت اسلامی، ص ۱۵۰.

۴. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۳۲.

۳. مراحل یک ارتباط بین فردی مؤثر

یکی از نشانه‌های سلامت روانی، وجود روابط بین فردی کارآمد است. روابط گرم و صمیمی با انسان‌های دیگر، منبع ایمنی، اعتماد، راحتی و آسایش انسان‌هاست.^۱ پیامبران خدا از جمله حضرت موسی علیه السلام با توجه به خصلت‌های فردی و رسالت آسمانی از مهارت بالایی برخوردارند؛ چنان‌که از گفت‌وگوی حضرت موسی در این داستان به خوبی این نکته دریافت می‌گردد. مهم‌ترین نکته‌ای که هنگام شروع یک گفت‌وگوی مؤثر باید در نظر گرفته شود این است که ممکن است طرف مقابل به علت شرم و حیای ذاتی از آغاز کردن صحبت امتناع کند، همان‌گونه که دختران شعیب از مردان، کناره گرفته بودند و آغازکننده صحبت با موسی علیه السلام نیز نبودند.

مرحله اول: شروع یا ارتباط آغازین

رفتارهای کلامی و غیرکلامی ما مهم‌ترین شاخص‌هایی هستند که دیگران با توجه به آنها درباره ما قضاوت می‌کنند. فراموش نکنیم که «اولین تأثیر، ماندنی‌ترین تأثیر است.» وقتی که طرف مقابل ما شاهد رفتارهایی باشد که به فعال شدن طرح واره یک فرد محترم و مؤدب در ذهنش بینجامد، قطعاً اولین اثری که بر وی می‌گذارد به حدی گرمازا خواهد بود که کوه یخی را نیز آب می‌کند.^۲ دختران حضرت شعیب با دو ویژگی کناره گرفتن از مردان و راه رفتن با شرم و حیا که در قرآن ذکر شده است، به راحتی با هر جوانی ارتباط کلامی برقرار نمی‌کنند. حضرت موسی با مهارت‌هایی چون ابراز صمیمیت، داشتن چهره‌ای دلسوزانه به همراه حُجُب و حیا که از نشانه‌های ادب او در قرآن است، جمله پرسشی را کوتاه نموده، هر دو خواهر را مورد خطاب قرار می‌دهد. او در

۱. ناصری، حسین، مهارت‌های زندگی، ص ۹۵.

۲. همان، ص ۹۶.

فرایند این گفت‌وگو توانست ارتباط آغازین خوبی را زمینه سازی نماید.

مرحله دوم: ادامه گفت‌وگو

درست است که توانایی شروع یک گفت‌وگو، شرط لازم ایجاد یک ارتباط دو جانبه است، اما شرط کافی نیست. توانایی ادامه دادن به یک گفت‌وگو، بخش دیگری از مهارت‌های ارتباطی است که به توانمند شدن فرد در زمینه ارتباط با دیگران می‌انجامد. مهم‌ترین نکاتی که در ادامه گفت‌وگو باید مورد توجه باشد بدین قرار است:

الف - هنر خوب گوش دادن

واقعیت این است که گوش دادن یکی از مهم‌ترین توانایی‌هایی است که هم در شروع، هم در ادامه و هم در خاتمه یک گفت‌وگو، کاربرد دارد؛ چرا که با خوب گوش دادن صحیح معمولاً حس خودارزشمندی در فرد مقابل فعال شده و همین موضوع، روند ارتباط را در هر مرحله‌ای تسهیل می‌کند. یکی از ویژگی‌های مهم پیامبران بویژه پیامبر اکرم ﷺ داشتن گوش شنوا و برخورداری از این مهارت ارتباطی مهم بوده، چنان‌که به عنوان یک ابزار مهم ارتباطی در گفت‌وگو با مردم، در قرآن بدان تأکید شده است. (توبه/۶۱) در گفت‌وگوی حضرت موسی و دختران شعیب، طرفین بر محتوای صحبت‌های فرد مقابل توجه داشتند و آگاهانه و با تمرکز بر سخن طرف مقابل، مطالب را دریافت کردند و اطلاعات لازم را در اختیار طرف مقابل قرار دادند. دختر شعیب در پاسخ موسی ﷺ گفت: ما گوسفندان را آب نمی‌دهیم تا چوپانان بروند و پدرمان سالخورده است. (قصص/۲۳)

در پاسخ دختر شعیب مشاهده می‌شود که او علاقه‌مند به ادامه گفت‌وگو شده است. اگر چنین نبود، با پاسخی کوتاه ارتباط کلامی را قطع می‌کرد. اینکه او پس از طرح مشکل آب دادن گوسفندان در میان مردان، از وضعیت پدرش سخن به میان

آورد، نشان‌دهنده آن است که حضرت موسی در گفت و شنود مؤثر، موفق بوده است.

ب - علاقه‌مندی در گفت‌وگو

در حقیقت علاقه‌مندی به ادامه گفت‌وگو عاملی است که به سرعت توسط هر دو طرف کشف می‌شود. به همین علت، وقتی کسی با دیگری صحبت می‌کند اگر بخواهد که گفت‌وگو ادامه پیدا کند، علاقه‌مندی به گفت‌وگو، واسطه‌ای است که او را به این مقصود خواهد رساند.^۱ این مهم جز با مهرورزی و صمیمیت میسر نخواهد شد. گفتنی است رمز موفقیت پیامبران و همه مصلحان در جوامع مختلف، دلسوزی و شفقت آنان نسبت به مردم بوده است. خداوند در وصف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «رسولی از خودتان به سراغ شما آمده است که رنج و سختی شما برای او گران است. دلسوز شماست و نسبت به مؤمنان بسیار مهربان است.»^۲ (توبه/۱۲۸)

در گفت‌وگوی کوتاهی که میان دختران و موسی علیه السلام صورت گرفته است معلوم می‌شود که دختران مخصوصاً دختری که از جانب پدر مامور ابلاغ پیام می‌گردد، چنان تحت تأثیر سخنان موسی علیه السلام قرار گرفته، که پس از مشاهده رفتار عملی موسی علیه السلام، حتی به او علاقه مند نیز شده است.

ج - قدرت و ارتباط

یکی از روندهای بسیار هیجان‌انگیز در مطالعه ارتباطات، بررسی اقتدار میان فردی است. گوینده خود قدرتی ندارد، قدرت از سوی دیگران به او داده می‌شود؛ کسانی که با آنان در مراوده‌اند.^۳ در ارتباط دو نفره، اگر یکی، اقتدار

۱. ناصری، حسین، مهارت‌های زندگی، ص ۱۰۱.

۲. توانایی، محمدحسین، مهارت‌های زندگی، ص ۲۹۴.

۳. فرهنگی، علی‌اکبر، ارتباطات انسانی، ج ۲، ص ۲۵.

دیگری را نپذیرد او نمی‌تواند غلبه خود را به طرف مقابل تحمیل کند. اعتبار و ارزش قائل شدن به عقاید و خواسته‌های فرد مقابل، در نتیجه پذیرش این اقتدار است. این اعتبار و ارزش به راحتی از چشم‌ها و طرز نگاه یا از حالات چهره مشخص است و طرف مقابل این را به خوبی در می‌یابد.^۱

در گفت‌وگوی کوتاهی که میان موسی و خواهران صورت گرفت، رد و بدل کردن این نشانه‌ها کاملاً مشهود است. چگونه است که خواهران در گفت‌وگویی بسیار ساده و کوتاه به آن جوان اعتماد کردند و سد ارتباطی خود را با او شکستند و اجازه دادند که برایشان، کاری انجام دهد. آنچه در داستان، کاملاً روشن است، آن است که موسی اقتدار خود را در ارتباط غیرکلامی‌اش مانند حالت‌های ظاهری، نفوذ چشم و به طور کلی حالت‌های چهره نمایاند و اگر غلبه‌ای در ارتباط از جانب موسی اتفاق افتاده است، در واقع دختران این غلبه را پذیرفته‌اند. در غیر این صورت به آسانی رابطه را به هم ریخته، گفت‌وگو را ادامه نمی‌دادند. امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، اشاره لطیفی به این موضوع دارند، آنجا که می‌فرمایند: «مَا لَقِيتُ رَجُلًا إِلَّا أَعَانَنِي عَلَى نَفْسِهِ».^۲ با هر کس که روبه‌رو می‌شدم مرا در شکست خود، یاری می‌داد.»

مرحله سوم: پایان دهی

پایان دادن یک گفت‌وگو مناسب در ارتباطی دو جانبه حائز اهمیت است. اگر شروع ارتباط‌های بین فردی را به برخاستن هواپیما از سطح زمین و پرواز را به ادامه یک گفت‌وگو تشبیه کنیم، پایان یک گفت‌وگو همان فرود هواپیماست که اگر فرود به درستی انجام نشود، ممکن است انرژی مصرف شده در دو مرحله

۱. همان، ص ۲۶.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۱۸.

قبل، به هدر رود.^۱

آنچه مهم است پایان دادن به یک گفت‌وگو و ارتباط بین فردی به شیوه‌ای مناسب است که اثرگذار و عمیق باشد. هنر حضرت موسی علیه السلام در ارتباط کلامی مذکور آن است که توانست ارتباط گذرا را به ارتباطی دائمی تبدیل کند که این خود، یکی از کارکردهای مهم ارتباطی است. از دیگر نشانه‌های پایان دهی مناسب در ارتباط کلامی موسی علیه السلام آن است که این گفت‌وگوی کلامی را به انجام عملی صالح ختم نمود. ﴿فَسَقَىٰ هُمَا...﴾ (قصص / ۲۴) و با آب دادن به گوسفندان و انجام کار خیر و خداپسندانه، انگیزه صحیح خود را در ارتباط، نشان داد. بی‌گمان بدون درخواست اجر و مزد، کاری را انجام دادن، نشانه حُسن نیت و اخلاص و شایستگی یک جوان است.

۴. اثربخشی

اثربخشی ارتباطات میان فردی شامل دو بُعد اساسی است. اول: بُعد عمل گرایانه (pragmatic) که همان دستاورد و دستیابی به اهداف و خواسته‌هاست. دوم: بُعد خشنودی شخصی (personal-satisfaction) که رضایت از انجام عمل و لذت و شعف درونی است.^۲

در این داستان، دو بُعد اثربخشی به صورت کامل مشهود است. با آب دادن به گوسفندان، موسی موفق شد مشکل دختران را برطرف سازد و با کسب رضایت خاطر از انجام عمل صالح به دیوار تکیه زد و متن دعای او، بیانگر لذت و شعف درونی اوست.

اگر انسان کاری را با اکراه و اجبار انجام دهد: ممکن است فقط به بُعد عمل‌گرایانه دست یابد، ولی از کار خود لذت نبرده باشد. یکی از مهم‌ترین

۱. ناصری، حسین، مهارت‌های زندگی، ص ۱۰۲.

۲. فرهنگ، علی اکبر، ارتباطات انسانی، ج ۱، ص ۱۱۱.

صفات انبیاء آن است که با انگیزه قوی و برای جلب رضای حق تعالی، کارها را انجام می‌دهند. البته این دو بُعد در مقایسه با فرهنگ دینی، می‌تواند ناظر به «حُسن فعلی» و «حسن فاعلی» باشد.^۱

ویژگی‌های اثربخشی در ارتباطات میان فردی

اول - گشودگی (openness)

گشودگی یعنی شخص فرستنده پیام، احساسات و تفکرات خود را که کاملاً به آن واقف است، در اختیار دیگری قرار دهد و مثلاً از زندگی شخصی خود برای مخاطب سخن بگوید. حتی در شرایطی، اسرار زندگی خود را بیان کند. این کار از طرف پیام دهنده، بیانگر نوعی اشتیاق برای پذیرش مسئولیت از جانب کسی و تسلیم و پذیرش از سوی گیرنده پیام است.^۲

بیشتر گفت‌وگوهای قرآنی به‌ویژه سخن گفتن خداوند با پیامبران، دارای این ویژگی است. خداوند از موسی پرسید: ﴿وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى...﴾. (طه/۱۷) ولی موسی چندین پاسخ داد و به صورت مفصل کاربردهای عصایش را تشریح نمود. در واقع موسی، خود را آماده پذیرش مسئولیت و تسلیم دستورات الهی معرفی نمود و در ادامه، خداوند به موسی گفت که از عصایش به عنوان معجزه الهی نیز می‌تواند استفاده کند که همان اعطای مسئولیت است.

یکی از عوامل بسیار مهم در زمینه تأثیرپذیری، تفاوت افراد از نظر جنسیت است. زنان به ظاهر تأثیرپذیرتر از مردان هستند.^۳ در داستان دختران شعیب، با فضایی که موسی از جهت صمیمیت و محبت ایجاد کرد، عنصر «گشودگی» در سخنان دختران مشهود است؛ از این‌رو درخواست کمک خود را با دو جمله بیان

۱. شریفی، احمدحسین، آیین زندگی، ص ۶۵.

۲. فرهنگی، علی اکبر، ارتباطات انسانی، ج ۱، ص ۱۱۵.

۳. دادگران، محمد، مبانی ارتباطات جمعی، ص ۱۴۹.

کردند، یکی اینکه حاضر به اختلاط با مردان نیستند و دوم آنکه پدرشان پیر است و نمی‌تواند به صحرا بیاید. از محتوای سخنان می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که رفتار و گفتار کلامی و غیر کلامی موسی علیه السلام چنان اثربخش بوده که در ایجاد یک ارتباط مؤثر موفق عمل کرده است.

دوم - همدلی (Empathy)

همدلی کردن یعنی احساسی را داشتن که دیگران نیز بدان احساس دست یافته‌اند. همدلی یعنی ایجاد احساس مشترک با یکدیگر. همدلی توانایی یک فرد است که به گونه‌ای تجربی دریابد که فرد دیگر چه تجربه‌ای در یک لحظه مشخص دارد.^۱ برخی کارشناسان، مهارت ارتباطی هرکس را به تعریف او از همدلی مرتبط می‌کنند. همدلی در برگیرنده همانند سازی و نزدیکی به دیگران است.^۲

حضرت موسی اگر از دیدن آن صحنه تنها احساس تأسف و ناراحتی می‌کرد فقط همدردی کرده بود، ولی چون وارد صحنه شد و به کمک آنان شتافت، در این جریان همدلی کرده است. در واقع حضرت موسی نپسندید که دختران با مردان غریبه اختلاط و همدوشی داشته باشند و نپذیرفت که آنان در فضایی مختلط با مردان، گوسفندانشان را آب دهند و با عمل خود، باورها و ارزش‌های آنان را تأیید و تمجید نمود.

سوم - حمایتگری (Supportiveness)

یک رابطه میان فردی و قابل اتکا رابطه‌ای است که در یک فضای حمایتگرانه شکل گرفته باشد و تا این فضا شکل نگیرد، ارتباط نیز مناسب نخواهد شد.

۱. خنیفر، حسین، مهارت‌های زندگی، ص ۱۲۹.

۲. بولتون، رابرت، مهارت‌های ارتباطی، ترجمه منصور شادلی، ص ۴۳۵.

ارتباط در فضای توأم با ترس و اضطراب، ارتباطی کامل و موفق نیست. مخاطب مانند حلزونی باهوش که لاک خود را بر پشت نهاده، آرام آرام حرکت می‌کند. هر زمان احساس خطر کرد به درون لاک خود فرو می‌رود و تا خطر مرتفع نشود، سر از آن به در نمی‌آورد.^۱

در گفت‌وگوی موسی با دختران شعیب، فضای حمایتی کاملاً مشهود است. در چنین فضایی بود که دختران احوال خود را بیان کردند و در خصوص پدر خود و علت اینکه در حضور مردان، به گوسفندان آب ندادند توضیح دادند.

در صحنه دیگری از داستان حضرت موسی، این حمایتگری از جانب خداوند به چشم می‌خورد، آنجا که خداوند به حضرت فرمان داد که با برادرش هارون نزد فرعون بروند و رسالت خود را بیان کنند. تعبیر قرآن این گونه است: ﴿فَأْتِيَاهُ فَقَوْلَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ﴾ (طه / ۲۹) بیشتر مترجمان قرآن، کلمه «آتی» را به «رفتن» معنا کرده آورده‌اند: «پس به نزد فرعون بروید به او بگویید...» در حالی که ظرافت این عبارت در ترجمه درست آن است که (آتی) به معنای آمدن است نه رفتن؛ یعنی «پس به نزد فرعون بیایید و به او بگویید...»^۲ و معنای حمایتگری تنها در صورت ترجمه درست این کلمه پدیدار می‌گردد که خداوند به حضرت موسی، قوت قلب می‌دهد و به او اطمینان خاطر می‌بخشد که ما هم نزد فرعون هستیم و بر اعمال او نظارت می‌کنیم. مخصوصاً اینکه در ادامه عبارت می‌گوید: «ما فرستادگان پروردگار تو هستیم.» که «رَبِّكَ» خطاب به فرعون، مفهوم نزدیکی و حضور حمایتی خداوند را کامل تر می‌رساند. همان‌طور که در آیه ﴿قَالَ مَا خَطْبُكُمْ قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدِرَ الرِّعَاءَ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ﴾ (قصص / ۲۳) ملاحظه می‌شود، عبارات بسیار محدود و خلاصه بیان شده است؛ اما در محتوای مطالب و

۱. فرهنگی، علی اکبر، ارتباطات انسانی، ج ۱، ص ۱۱۸.

۲. بهرام پور، ابوالفضل، ترجمه قرآن کریم، ص ۳۱۴.

ارسال پیام‌های غیر کلامی از دو طرفِ گفت‌وگو، فضای حمایتی کاملاً مشهود است.

چهارم - مثبت‌گرایی (positiveness)

مثبت‌گرایی در یک ارتباط میان فردی حداقل به سه جنبه تکیه دارد. اول: احترام مثبت و معینی برای خویشتن در نظر داشته باشیم. فردی که احساس ناخوشایندی نسبت به خود دارد بی تردید این احساس را به نحوی به دیگران منتقل می‌کند. دوم: احساس خوشایند را به دیگران انتقال دهیم. سوم: مشاهده تمایل و اشتیاق از سوی مخاطب.^۱

یکی از ویژگی‌های داستان‌های قرآن کریم در وصف پیامبران الهی، بیان صحنه‌های موفقیت آمیز و اعتماد به نفس آنان در گفت‌وگو با مخاطب است. این ویژگی در داستان‌های همه انبیاء در قرآن قابل مشاهده است. در داستان حاضر، نقل قول‌های قرآن از زبان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام همه حاکی از صفات والای نفسانی و عزت نفس بالای اوست. عباراتی چون ﴿وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ... قَالَ مَا خَطْبُكُمَا... وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ... وَاللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ﴾ (قصص/ ۲۳ - ۲۸) و در نهایت بازخورد این احساس مثبت را به صورت تمایل و اشتیاق در پاسخ‌های دختران در بیابان و همچنین حضرت شعیب در منزلشان می‌توان ملاحظه کرد که چگونه حضرت موسی در برقراری یک ارتباط سازنده و مؤثر، موفق بوده است.

پنجم - تساوی (Equality)

هرگز دو نفر از همه جنبه‌ها با یکدیگر مساوی نخواهند بود. طرفین ارتباط باید توجه داشته باشند که هر دو انسان هستند و موجوداتی گران‌بها و ارزشمند. اگر یکی از دو طرف ارتباط، موقعیت و مقام و برتری‌های دیگری دارد، در حین

۱. فرهنگی، علی اکبر، ارتباطات انسانی، ج ۱، ص ۱۱۹.

ارتباط باید فاصله‌ها را از بین برده، خود را به مخاطب نزدیک نماید. تحقیقات بر این پایه استوار است که اثربخشی ارتباطات میان فردی در صورت وجود تشابه اعضا با یکدیگر، بیشتر است.^۱

ادبیات خاص قرآن، حاکی از آن است که پیامبران برخلاف حکمرانان و پادشاهان، همواره خود را در سطح عموم مردم قرار می‌دادند. در بازار رفت و آمد می‌کردند، با آنان نشست و برخاست نموده، به همراهشان غذا می‌خوردند. حتی یکی از ایرادهایی که به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌گرفتند این بود که چرا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با مردم غذا می‌خورد و با آنها در بازار رفت و آمد دارد. همه پیامبران این ویژگی را داشتند که خود را به مردم نزدیک می‌ساختند، به طوری که اگر غریبه‌ای به جمع مردم می‌آمد، پیامبر را نمی‌شناخت و این از امتیازات و عوامل موفقیت همه پیامبران در ایجاد رسالت الهی ایشان است. در داستان حاضر نیز حضرت موسی به عنوان یک فرد عادی با مردم ارتباط برقرار کرده است، به طوری که دختران شعیب به راحتی توانستند با او صحبت کنند و در یک فضای ارتباطی مؤثر و دو طرفه شرکت نمایند.

۵. خودآگاهی

بازشناسی خود از نظر سلامت روانی حائز اهمیت فراوانی است و به نوبه خود در توان ارتباطی ما با دیگران تأثیر بسزایی دارد. بیشتر افراد از توانایی‌های خود بی‌خبرند و نمی‌دانند که از چه توان بالایی برخوردارند. پژوهش‌ها نشان دهنده آن است که بازشناسی خود از بسیاری جهات، کلید اساسی بسیاری از رفتارها و موفقیت‌های اجتماعی و گروهی است. آگاهی از خود بر رفتار ارتباطی ما نیز تأثیر می‌گذارد. افرادی که خود را می‌شناسند و به خودآگاهی رسیده‌اند با راحتی بیشتری می‌توانند به تشریح خود و خواسته‌های خود چه به گونه کلامی و

۱. همان، ج ۱، ص ۱۲۱.

چه غیر کلامی پردازند.^۱

حضرت موسی علیه السلام پس از آب دادن گوسفندان، در سایه دیوار آرام گرفت و از اینکه توانسته بود کار خیری انجام دهد و خدمتی نماید، گویا با خدا از خویشتن خویش سخن می گفت که این توانایی و موفقیت من مرهون الطاف توست و با توجه به نگرش مثبت نسبت به خویش و ایفای نقش اجتماعی اش به عنوان یک جوانمرد، بدون چشمداشتی به دختران کمک کرده بود. رضایت خاطر موسی علیه السلام از آن جهت بود که نقشی را که به عنوان یک جوان مؤمن از او انتظار می رفت به خوبی ایفا کرده و در شرایط فعلی خود را در معرض الطاف الهی قرار داده است.

در صحنه دیگر داستان، دختر شعیب نیز با توجه به تصویری که قرآن از او ارائه می دهد، از «خودآگاهی» بالایی برخوردار بوده است؛ زیرا به تنهایی توانست بر ترس و اضطراب و خجالت مستولی شود و پیام پدرش را که در واقع خواسته خودش نیز بود با شهامت و اعتماد به نفس بالا، بیان دارد. کلمه «استحیاء» بیانگر آن است که آن دختر سعی در غلبه بر احساسات و کتمان علاقه قلبی خود نیز داشته است.

در صحنه سوم این داستان، حضرت موسی در پاسخ به شعیب در خصوص مهریه همسرش عنوان کرد: «هریک از دو پیشنهاد (هشت سال یا ده سال) برای کارکردن، قابل پذیرش است که هر یک از دو احتمالی که مفسران قرآن در مفهوم آیه ذکر کرده اند، ناظر بر مثبت اندیشی و اعتماد به توانایی های حضرت موسی علیه السلام می باشد. تفسیر اول: هشت سال یا ده سال برایم فرقی نمی کند؛ هر یک را بخواهی قبول می کنم.

تفسیر دوم: باید حق انتخاب در دو پیشنهاد با من باشد که هر یک را خواستم بپذیرم.^۲

۱. همان، ج ۱، ص ۱۳۱.

۲. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۷۵.

عرفان، اوج مرتبه خودآگاهی

یکی از مهم‌ترین مراتب خودآگاهی، احاطه به میزان خداباوری و معنویات و عرفان در زندگی است.

قرآن کریم فضاهای بسیار روشن و درخشانی از حضرت موسی علیه السلام را در این آیات، به تصویر کشیده است که نشان می‌دهد حضرت موسی علیه السلام در سن جوانی، بسیار اهل مراقبه و صیانت از نفس بوده است و در حال سیر و سلوک و تقرب به سوی حق تعالی، به طوری که علامه طباطبایی (ره) در تفسیر آیه ﴿وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾ (قصص/۲۲) می‌گوید: «از این آیه معلوم می‌شود که موسی علیه السلام در اعمال خود مراقبت شدیدی داشته که هیچ عملی انجام نمی‌داده، حتی اراده هم نمی‌کرده مگر برای رضای پروردگارش.»^۱

به طور کلی حالات معنوی موسی علیه السلام در جریان داستان دختران شعیب در سه صحنه، مجسم شده است:

الف - هنگام رهسپار شدن به سوی مدین: ﴿وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ...﴾ (قصص/۲۲).

ب - پس از آب دادن گوسفندان و تکیه زدن به دیوار: ﴿فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لَمَّا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾ (قصص/۲۴).

ج - پس از قبول شرط حضرت شعیب علیه السلام برای ازدواج و تعیین مهریه: ﴿وَاللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ﴾ (قصص/۲۸).

خودآگاهی و توکل بر خدا

یکی از تفاوت‌های مهم ارتباطات انسانی با ارتباطات از دیدگاه قرآن کریم، باور داشتن نقش خداوند و اراده او در فرایند یک ارتباط است. توکل در فرهنگ

۱. همان، ج ۱۶، ص ۳۵.

قرآنی به معنای سپردن امور به خداوند است. به عبارت دیگر: «توکل به معنای آماده سازی مقدمات کار و تلاش کامل و سپس تکیه و اعتماد به قدرت بی کران الهی است، نه به معنای رها کردن کارها». کسی که به خدا تکیه می‌کند احساس می‌نماید که تکیه‌گاهی قدرتمند و همیشه زنده دارد که همواره با اوست؛ از این رو احساس ترس، اضطراب، ناامیدی، ناراحتی و تنهایی نمی‌کند و یا دست کم این حالات کمتر به او روی می‌کند.^۱ ممکن است پیام‌دهنده در فراگرد ارتباطی پس از انجام همه تلاش‌ها و رعایت اصول و هنجارها به موفقیت نرسد و در اجرای اهداف خود با شکست مواجه شود که در این صورت آسیب‌های فراوان روحی و روانی را باید تحمل نماید؛ چون همواره در هر کانال ارتباطی، اختلال (پارازیت) دور از انتظار نیست.^۲ حضرت موسی علیه السلام پس از آنکه موقعیت موجود را به خوبی مدیریت نمود، در پایان باتوکل به خدا به ارزیابی جریان پرداخت و با تکیه دادن به دیوار آینده خویش، الطاف الهی را به انتظار نشست و به خدای خویش عرضه داشت: «پروردگارا من به آنچه که تو برایم از خوبی‌ها می‌فرستی به شدت نیازمندم.» (قصص/۲۴) در واقع حضرت موسی علیه السلام اقدام خود را انجام داد و ادامه کار را به خداوند سپرد که بیانگر مفهوم «توکل» است.

۶. پیام‌های غیر کلامی

پیام‌های غیر کلامی از مهم‌ترین کانال‌های ارتباطی زندگی بشر است. این نوع پیام‌رسانی دیرینه‌ترین زبان بشر بوده است. برخلاف زبان کلامی که نیازمند آموزش است، این زبان اغلب نظری بوده نیازمند آموزش نیست. با وجودی که مردم با دلالت‌های حالات و حرکات بدن، ارتباطی تنگاتنگ دارند، لیکن اصطلاح

۱. کمالی، علیرضا، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ص ۱۹۲.

۲. دادگران، محمد، مبانی ارتباطات جمعی، ص ۴۱.

پیام‌های غیرکلامی برای اغلب مردم مفهوم روشنی به ارمغان نمی‌آورد.^۱ آلبرت مهربان در بررسی‌های خود گزارش می‌دهد که تنها هفت درصد ارتباط‌ها شفاهی و ۹۳ درصد آنها غیر کلامی بوده‌اند. به این ترتیب باید بدانیم «آنچه می‌گوییم، نسبت به آن‌گونه که می‌گوییم، از اهمیت کمتری برخوردار است.»^۲

تفاوت‌های فرهنگی در پیام‌های غیرکلامی

فرهنگ به صورت غیرمستقیم به ما می‌آموزد که کدام‌یک از رفتارهای ما به صورت هنجار و ارزش درآمده‌اند. در داستان دختران شعیب، تفاوت رفتارها و آرمان‌ها با یکدیگر به وضوح قابل مشاهده است. هنجارها و ارزش‌های جا افتاده در یک فرهنگ و تفاوت آن با فرهنگ‌های دیگر آشکار است. فرهنگ خاص دختران شعیب به مخاطبان می‌آموزد که چگونه با دیگران از راه‌های مختلف ارتباط برقرار کنند. فرهنگشان به آنان می‌گوید که از آواها و صدای خویش، از حرکات و جنبش خود و حتی از طریق لباس پوشیدن و طرز راه رفتن، به دیگران پیام ارسال کنند. هر فرهنگ به اعضای خود می‌آموزد که دنیا را چگونه و از چه زاویه‌ای ببیند و رفتارهای خود را چگونه شکل دهد.

در نقل داستان دختران شعیب توسط قرآن کریم، پیام‌های غیرکلامی متعددی که حاکی از فرهنگ حیا و عفت و ایمان به خداست به چشم می‌خورد، به دو مورد از این پیام‌ها اشاره می‌کنیم:

الف - فاصله یا فضای ارتباطی (Communication distance)

در طبیعت انسان حتی حیوانات، رفتاری وجود دارد که آن را «قلمروجویی» می‌نامیم. برای به تحقق رساندن این رفتار، فاصله خود را با دیگران تنظیم و

۱. فرهنگی، علی اکبر، ارتباطات اسلامی، ج ۱، ص ۲۷۳.

۲. بولتون، رابرت، مهارت‌های ارتباطی، ترجمه منصور شاه ولی، ص ۱۲۶.

جایی را برای خود معین کرده و آن دیگری را در ورای آن تصور می‌کنیم. این مقدار فاصله به رابطه‌ای از کنش متقابل افراد و اینکه چه احساسی دارند و چه می‌کنند...»^۱، بستگی دارد. در همه فرهنگ‌ها، در مواجهه اشخاص با جنس مخالف، فاصله‌ها تعریف خاصی دارند.^۱

در داستان دختران شعیب، موضوع فاصله دوبار مطرح شده است. یکی در عبارت ﴿وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ﴾ (قصص/۲۳). دوم در عبارت ﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ﴾ (قصص/۲۵).

بررسی تفسیری «تذودان» چنین است: لسان العرب، تذودان را به معنای سوق دادن و طرد کردن آورده^۲ و در جوامع الجامع به معنای دور راندن و جلوگیری کردن.^۳ مجمع‌البیان دو احتمال ذکر می‌کند: یکی، منع مردم از نزدیک شدن به گوسفندان و دوم، بازداشتن گوسفندان از مخلوط شدن با گوسفندان دیگر.^۴ میبیدی می‌گوید: دختران خود را از جماعت دور کردند به دلیل صیانت خود.^۵ در این میان، تفسیر کشاف به پیام‌های غیر کلامی نزدیک‌تر است. او می‌گوید: دختران نگاه ناظران را از چهره خود دور کردند تا دیده نشوند.^۶

آنچه از مجموع تفاسیر استفاده می‌شود آن است که دختران فضای خاصی را انتخاب کردند که در اصطلاح دانش ارتباطات، همان «فاصله اجتماعی» است و نخواستند که با مردان هم دوش شده، با آنان برخورد فیزیکی نمایند. در دومین آیه نیز ﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ﴾ (قصص/۲۵) بیانگر نزدیک شدن یکی از دختران به حضرت موسی عليه السلام است که طبعاً این فاصله از

۱. فرهنگی، علی اکبر، ارتباطات انسانی، ج ۱، ص ۲۷۷.

۲. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، ج ۳، ص ۱۶۷.

۳. جمعی از مترجمان، جوامع الجامع، ج ۴، ص ۵۱۹.

۴. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع‌البیان، ج ۱۸، ص ۱۸۱.

۵. میبیدی، رشیدالدین، کشف الاسرار و عده الابرار، ج ۷، ص ۲۹۵.

۶. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، ج ۳، ص ۴۰۱.

فاصله با مردان دیگر، بسیار نزدیک‌تر بود. این فاصله دردانش ارتباطات، «فاصله عمومی» است. البته سن، جنسیت، منطقه جغرافیایی، آداب و رسوم در موضوع فاصله، تفاوت‌هایی را به وجود می‌آورد.^۱

ب - حرکات اندام‌ها (Body Movement)

یکی از بهترین کانال‌های ارتباطی میان انسان‌ها، حرکات بدن است. علائمی که توسط سر و حرکات صورت و چشم و تماس چشمی و اعضای بدن فرستاده می‌شود، می‌تواند بسیار پرمعنا و اثرگذار باشد.^۲ حرکات بدن افراد چیزهای بسیاری در باره آنها به ما می‌گویند. اشاره‌ها و حرکات به گفت‌وگوی کلامی ما شفافیت بخشیده، آن را تنظیم می‌کنند. از طریق حرکات بدنی خود، می‌توانیم احساساتمان را انتقال دهیم. کلمات ادا شده را تقویت و بر روی آن تأکید کنیم.^۳ چشم و تماس چشمی یکی از ارزشمندترین منابع اطلاعاتی است. «بیروسیل» تخمین زده است که بیش از هفتصد هزار علامت فیزیکی ممکن وجود دارد که از طریق حرکات اعضای بدن می‌توان به آنها دسترسی پیدا کرد و مفاهیمی را به دیگران انتقال داد.^۴

قرآن کریم حالت راه رفتن دختر شعیب را در آیه ﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ﴾ (قصص/۲۵) که به همراه ارسال پیام‌های غیرکلامی متعدد بوده، به تصویر کشیده است.

در بیشتر تفاسیر، استحیا به معنای شدت حیا آمده است،^۵ اما راغب به معنای

۱. کریمی، عبدالعظیم، الگوهای نمادین و غیرکلامی، ص ۱۲۹.

۲. فرهنگی، علی اکبر، ارتباطات انسانی، ج ۱، ص ۲۹۶.

۳. ریچموند، ویرجینیا، رفتار غیرکلامی در روابط میان فردی، جمعی از مترجمان، ص ۱۵۹.

۴. فرهنگی، علی اکبر، ارتباطات انسانی، ج ۱، ص ۲۹۷.

۵. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، ج ۳، ص ۴۰۱؛ قرآنی، محسن، تفسیر نور،

ج ۹، ص ۳۹.

ضد وقاحت و حفظ نفس از نقص و بدی آورده است.^۱ از نظر مجمع البیان، دختر صورت خود را با آستین پوشانده بود (طبرسی، ۱۸۱/۱۸) و کشف الاسرار، در یکی از احتمالات، حیا در کلام را بهتر و بیشتر از حیا در مشی می‌شمارد.^۲ از مجموع تفاسیر استفاده می‌شود که آن دختر با حالت خاص راه رفتن، حیا و نجابت و تربیت خانوادگی خود را به نمایش گذاشته. و با انتخاب نوع پوشش و عدم جلب توجه در راه رفتن و حفظ متانت، شرم و آزر خود را در مواجهه با یک جوان، ابراز نموده است. کسی که حالت راه رفتنش با حیا باشد، نمی‌تواند در سخن گفتن یا تماس چشمی یا حرکات چهره عقیف نباشد. قطعاً او در تماس چشمی نیز رعایت حیا را داشته و در طرز سخن گفتن و انتخاب کلمات نیز با متانت سخن گفته است.

نتیجه‌گیری

ارتباطات میان فردی و اجتماعی از مهم‌ترین مسائل دانش ارتباطات در عصر حاضر است. به استناد آیات قرآن کریم، (قصص / ۲۳-۲۸ و دیگر آیات) گفتمان الهی از چنان ساختار منسجم و سازمان یافته‌ای برخوردار است که می‌توان الگوهای مختلف ارتباطی را که محصول هزاران سال تجربه زندگی بشر و ده‌ها سال پژوهش اندیشمندان علوم انسانی است، از آن استخراج نمود. از برخی تعبیرات قرآن کریم در سوره قصص استفاده می‌شود که اثربخشی ارتباطات در گرو خودآگاهی و اطلاع از توانمندی‌های شخصی است. در این رابطه، قرآن کریم فضاهای بسیار روشنی از ویژگی‌های حضرت موسی علیه السلام را در این آیات به تصویر کشیده است که مبین آن است که قرآن کریم در صدد فرهنگ‌سازی در روابط انسان‌ها بوده و به صورت غیر مستقیم مهارت‌های ارتباطی را به مخاطبان

۱. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، ص ۳۳۵.

۲. میبیدی، رشیدالدین، کشف الاسرار و علة الابرار، ج ۷، ص ۲۹۵.

آموزش می‌دهد. ساختار آیات در داستان‌های مختلف قرآن، به‌ویژه در داستان موسی علیه السلام و دختران شعیب، وجود روابط بین فردی کارآمد را نمایان می‌سازد که نشانهٔ برخوردارگی شخصیت‌های داستان از سلامت روان است.

از تفاوت‌های مهم ارتباطات انسانی با ارتباطات از دیدگاه قرآن کریم، باور داشتن به نقش خداوند و ارادهٔ او در فرایند یک ارتباط است. کسی که به خدا تکیه دارد احساس می‌کند تکیه‌گاهی قدرتمند و همیشه زنده دارد که همواره با اوست؛ از این رو احساس ترس، اضطراب، ناامیدی، ناراحتی و تنهایی نمی‌کند. همان‌گونه که موسی علیه السلام با تکیه دادن به دیوار آمال خویش، الطاف الهی را به انتظار نشست.

از دیگر مباحث ارتباطی که در قرآن بدان تأکید بسیار شده است، بحث ارتباطات غیر کلامی است که در این نوشتار به اختصار و در قالب دو موضوع (اندام بدن و فضای ارتباطی) به طرح مباحث و بیان اهمیت آن پرداخته شده که یکی از مصادیق آن در یک عبارت سه کلمه‌ای **﴿تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ﴾** (قصص/۲۵) نهفته شده است. البته طرح تفصیلی ارتباطات غیر کلامی، با توجه به فراوانی آیات در این زمینه، تحقیق جداگانه‌ای را می‌طلبد.

از آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که با به خدمت گرفتن دانش‌های بشری به‌ویژه موضوع ارتباطات، می‌توان در فهم لایه‌های درونی‌تر آیات قرآن گام برداشت و افق‌های تازه‌ای را برای دیگر پژوهشگران گشود و ثمرهٔ این تحقیقات می‌تواند علاوه بر ایجاد رویکردهای جدید در اهداف علمی و کاربردی، ایجاد یک پل ارتباطی میان پژوهشگران علوم قرآنی و دانش ارتباطات باشد. به امید آنکه با تامل و تدبیر هرچه بیشتر در آیات قرآن کریم، مقدمات تحول در علوم بشری فراهم گشته، ارمغان آن حیات پاکیزه برای جامعه بشری باشد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ابوالفضل بهرام‌پور.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۴. آلفرد جی، اسمیت، ارتباطات و فرهنگ، ترجمه مهدی بابایی، سمت، تهران، ۱۳۷۹ش.
۵. بولتون، رابرت، مهارت‌های ارتباطی، ترجمه، منصور شاه ولی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۰ش.
۶. توانایی، محمد حسین، مهارت‌های زندگی، افراز، تهران، ۱۳۹۱ش.
۷. خنیفر، حسین، مهارت‌های زندگی، هاجر، قم، ۱۳۹۱ش.
۸. دادگران، محمد، مبانی ارتباطات جمعی، مروارید، تهران، ۱۳۸۵ش.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، بی‌جا، ۱۳۶۹ش.
۱۰. رفیعی، ناصر، سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۶ش.
۱۱. ریچموند، ویرجینیا، رفتار غیر کلامی در روابط میان فرد، ترجمه گروه مترجمان، دانژه، تهران، ۱۳۸۸ش.
۱۲. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۱۳. ساجدی‌نیا، محمدحسین، اصول و مبانی مدیریت اسلامی، شهر آشوب، تهران، ۱۳۸۳ش.
۱۴. ساروخانی، باقر، جامعه‌شناسی ارتباطات، اطلاعات، تهران، ۱۳۸۷ش.
۱۵. شرمهون، مدیریت و رفتار سازمانی، ترجمه مهدی ایران نژاد، مدیران، تهران، ۱۳۸۴ش.
۱۶. شریفی، احمد حسین، آیین زندگی، معارف، تهران، ۱۳۸۶ش.
۱۷. صادقی مجد، محمدجواد، بیان قرآن کریم از رفتارهای غیرکلامی، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ۱۳۹۱ش.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۷۴ش.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، فراهانی، تهران، ۱۳۶۰ش.

۲۰. _____، تفسیر جوامع الجامع، ترجمه گروه مترجمان، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۷ش.
۲۱. فرهنگی، علی‌اکبر، ارتباطات انسانی، رسا، تهران، ۱۳۸۷ش.
۲۲. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۳ش.
۲۳. کریمی، عبد‌العظیم، الگوهای نمادین و غیر کلامی، تربیت، تهران، ۱۳۸۰ش.
۲۴. کمالی، علیرضا، (جمعی از نویسندگان)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، معارف، تهران، ۱۳۸۴ش.
۲۵. کیا علی، اصغر، ارتباطات جمعی و روابط بین‌الملل، آن، تهران، ۱۳۸۵ش.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ش.
۲۷. میبدی، رشیدالدین، کشف الاسرار و علة الابرار، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱ش.
۲۸. ناصری، حسین، مهارت‌های زندگی، سازمان بهزیستی کشور، تهران، ۱۳۸۷ش.
۲۹. نصیری، علی، آیین همسرگزینی، معارف، قم، ۱۳۸۹ش.